



قسمت دوم

بررسی

تأثیر تحریم بر قاچاق

مصطفی آذری
کارشناس ارشد مدیریت صنعتی

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقدمه

در قسمت اول به مباحثی از جمله اهداف و تأثیرات تحریم، علل قاچاق کالا در شرایط تحریم و همچنین کشورهای هدف تحریم پرداخته شده در ادامه به روش‌های قاچاق کالا و نقش کشورهای همسایه در آن در شرایط تحریم و تأثیر آن بر اقتصاد کشور خواهیم پرداخت.

۶- روش‌های قاچاق کالا در زمان تحریم ایران

قاچاقچیان از روش‌های مختلفی برای قاچاق کالا استفاده می‌کنند: صاحبان سرمایه برای واردات قاچاق به روش‌های پیچیده‌ای متوسل می‌شوند و در قالب کالاهایی که با مجوز از مبادی گمرکی رسمی وارد کشور می‌شود، کالاهای قاچاق را وارد می‌کنند و با توجه به کمبود امکانات و پرسنل که در گمرکات معمولاً وجود دارد به راحتی کالای قاچاق را وارد کشور هدف می‌کنند. در این روش‌ها کالای قاچاق معمولاً کالاهایی هستند که دولت، مخالف واردات آن‌ها است؛ اما در صورتی که صادرات از سوی کشور تحریم کننده کالا ممنوع باشد، این کالا در مبدأ قاچاق می‌شود و در مقصد با هماهنگی دولت هدف وارد می‌شود و دولت هدف، مخالفتی با ورود این کالاها ندارد بلکه از آن حمایت نیز می‌کند.

تحریم‌کننده و یا سازمان ملل در اجرای موفق تحریم، استفاده از سازمان جهانی گمرک (WCO) است که بر اساس دفاتر منطقه‌ای خود روند قاچاق را نظارت می‌کند. این شبکه‌ی اجرایی گمرکات، مراقب انواع مختلف پنهان‌کاری‌هاست و بر اساس توافقات دوجانبه و معاهدات چندجانبه از طریق تبادل اخبار در خصوص نقض تحریم از طریق قاچاق، به فعالیت می‌پردازد.

۷- دیدگاه دولت‌های هدف در خصوص قاچاق در زمان تحریم

در اغلب کشورهای تحت تحریم، دولت حاکم تلاش نموده است تا برای مقابله با تحریم، از روش‌های مختلف استفاده کند که یکی از این روش‌ها قاچاق کالا می‌باشد. به طور مثال در یوگسلاوی تمام افرادی که کالا به کشور وارد می‌کردند (قاچاق، فساد اقتصادی و ...) به عنوان قانون‌شکنی دیده نشده بلکه به عنوان یک مأمور میهن‌پرست قابل ستایش نگریسته می‌شدند.

در زمان تحریم در یوگسلاوی بیش‌تر طبقه‌ی متوسط، مهندسان، معلمان و کارمندان دولت درآمدهای خود را از دست دادند و طبقه‌ای از افراد جدید و پایین که در کار قاچاق و بازار سیاه دست داشتند، جایگاه یافتند. و افرادی که درگیر این فعالیت‌ها بوده‌اند به عنوان الگویی از موفقیت به نظر می‌آمدند.

دولت‌های تحت تحریم به سادگی به قاچاق به عنوان پاسخی منطقی و ضروری در برابر تحریم می‌نگرند. در ژانویه سال ۱۹۹۶ دراگان پتکویچ دادستان کل صربستان، گفت: اگر ناقضان تحریم یا قاچاقچیان نبودند، ساختار تجارت و بانکی کشور در وضعیت بدی قرار می‌گرفت و امکان بقا وجود نداشت.

در سال ۱۹۹۳ در آغاز تحریم‌های علیه یوگسلاوی، رسانه‌ها به طور گسترده گزارش دادند که فعالیت‌های ضد تحریم در مقدونیه به عنوان کشور همسایه، علی‌رغم این که مقامات رسمی این کشور در خصوص تبعیت از تحریم‌های اعمال شده علیه یوگسلاوی خود را متعهد می‌دانستند، اقتصاد سیاسی مخفی قاچاق، بین دو کشور توسعه یافت.

همان‌طور که ذکر شد با گسترش دامنه‌ی وسیع احتمالی در زمان تحریم،

را خارج می‌کنند. قاچاقچیان کالا، اغلب در پوشش حمل و نقل و ترانزیت کالا با استفاده از کشتی‌ها و لنج‌ها با برنامه‌های کشورهای مختلف و قرار دادن کالاها و کوله‌بارها از راه‌های آبی و کوره‌راه‌های زمینی کشور هدف، اقدام به ورود یا خروج کالا می‌کنند.

برای مثال بخش‌های جنوبی کشور در استان‌های هرزگان، بوشهر و سیستان زمینه‌ی جدی برای دور زدن تحریم در شرایط ضروری برای دولت خواهد بود و همچنین می‌تواند زمینه‌ی نیز برای تشدید احتمالی قاچاق در این منطقه برای کالاهایی باشد که اساساً دولت مخالف ورود آن‌ها است و یا برای مقاطع زمان خاص مانند تحریم، مایل به واردات چنین کالاهایی نیست.

فقر شدید و مشکلات اقتصادی در منطقه‌ی خاورمیانه موجب شده است در برخی کشورها، گروه‌های بزرگی به کار قاچاق و جعل در کار حمل و نقل کالا بپردازند. ویژگی فقر و مشکلات اقتصادی که در کشورهای همسایه‌ی ایران به خصوص در شرق و غرب ایران شدیدتر است، عاملی تشدیدکننده برای افزایش قاچاق در شرایط تحریم به منظور کسب درآمد غیر قانونی است. در این مناطق، شیوه‌ها و شگردهای مختلفی برای مقابله با تحریم از طریق قاچاق وجود دارد. برای مثال دسترسی ایران به آب‌های آزاد و دریای خزر و تعدد کشورهای همسایه هر تحریمی را می‌تواند بی‌اثر کند.

یکی از برنامه‌های کشورهای

شیوه‌ی دیگر برای قاچاق کالا، روش عبور (ترانزیت) است. قاچاقچیان به چند روش از شیوه‌ی ترانزیت استفاده می‌کنند:

۱. کشورهای مبدأ قاچاق، کالای قاچاق را برای انتقال به کشور هدف از طریق کشور سومی انجام می‌دهند. مثلاً در خصوص ایران قاچاقچیان، کالا را از امارات عربی به افغانستان یا جمهوری آذربایجان یا شمال عراق می‌برند و سپس از طریق مرزهای غیر مجاز و یا با استفاده از پوشش‌های مسافران به ایران وارد می‌کنند.

۲. قاچاقچیان کشورهای مبدأ قاچاق، کالای خود را به کشور دیگر منتقل می‌کنند و سپس اسناد و مدارک و یا مارک و علامت تجاری تولیدی آن را با مارک یکی از کشورهای دیگر تعویض نموده و به اسم کالاهای تولیدی آن کشور به کشور هدف وارد می‌کنند. از این راه‌ها کالاهای قاچاق وارد کشور هدف می‌شود.

۳. شیوه‌ی دیگری که کالاهای قاچاق از طریق عبور (ترانزیت) وارد کشور هدف می‌شود، به این صورت است که محموله‌ی کالاهای قاچاق به عنوان کالای عبوری در کشور هدف باز می‌شود و کالاهای آن بیرون آورده می‌شود و کالاهای دیگری که تحت تحریم نیست در آن قرار می‌گیرد؛ سپس کامیون به کشور مورد نظر که کالا باید به آن صادر می‌شود، برده می‌شود.

۴. شیوه‌ی دیگر قاچاق استفاده از احتمال وجود مناطق آزاد در کشور هدف است. کالاهایی که از این مناطق وارد کشور هدف می‌شوند با هماهنگی با مناطق آزاد مختلف، وارد کشور هدف می‌شود. در این روش برای مقابله با تحریم، مناطق آزاد محل مناسبی برای دورزدن تحریم ارسال کالا و یا دریافت کالا می‌شود.

۵. شیوه‌ی دیگر برای قاچاق کالا، استفاده‌ی صاحبان سرمایه از پوشش‌ها و امکانات دولتی است. علاوه بر استفاده از خودروهای ترانزیتی و دولتی، آن‌ها به جعل مدارک، اسناد گمرکی و پیمان‌نامه‌های ارزی می‌پردازند؛ از درج شماره‌ی سریال کالاها بر روی اسناد خودداری می‌نمایند؛ و به این ترتیب درآمد حاصل از قاچاق در کشور هدف

اختصاص سهمیه‌ای از تولیدات داخلی برای مصرف در داخل در زمان تحریم، از جمله سیاست‌هایی می‌باشد که باعث کاهش اعتبار بازرگانان کشور هدف در نزد شرکای خارجی آن‌ها می‌شود و به تشدید قاچاق دامن می‌زند

قاچاق به عنوان یک پدیده‌ی عادی تلقی می‌شود و در این جوامع رفتارهای ناهنجاری مانند قاچاق قدرت می‌گیرد و پدیده‌ی قاچاق نیرومند می‌گردد و این پدیده با پذیرش اجتماعی بالا روبه‌رو می‌شود. در نتیجه‌ی این شرایط، فرد قاچاقچی که درگیر آن است با درآمد حاصل از این منبع شروع به تحرک اجتماعی به سمت جایگاه بالای اجتماعی می‌نماید و به مراکز قدرت سیاسی نزدیک شده آن را تصاحب می‌کند و دیدگاه حاکمان در دولت تحت تحریم، مخالف با قاچاق نخواهد بود.

بعد از برداشتن و لغو تحریم‌ها نیز گرچه مسیرهای گریز از تحریم تجاری در منطقه ضعیف می‌شود، اما شبکه‌های قاچاق برای تداوم فعالیت پافشاری خواهند کرد و بر سایر فعالیت‌های مرتبط با آن اصرار نموده و خود را تطبیق خواهند داد.

گرچه قاچاق در همه‌ی جوامع وجود دارد اما در کشورهای تحت تحریم به عنوان یک امر نهادینه مورد پذیرش قرار می‌گیرد و انگیزه‌ی دولت‌ها را برای مبارزه کم می‌کند. برای مثال در جمهوری یوگسلاوی تحت تحریم، این مسأله به یک امر عادی تبدیل شد و به عنوان یک روش تجاری پذیرفتنی مورد انتظار در نظر گرفته شد. در برخی شهرهای مرزی ایران نیز به دلیل نهادینه‌شدن قاچاق در کشورهای همسایه، نتایج مطلوبی از خارج شده برخی شهرهای مرزی از فعالیت قاچاقچیان گرفته نشده است. و این پدیده با زندگی افراد به شدت عجین شده است.

هم‌چنین برای مثال در صربستان کانال قاچاق به صورت نیمه رسمی با آگاهی مقامات رسمی اگر نتوان گفت با مشارکت آن‌ها برقرار شد و به زودی به ساختار خصوصی‌ای که به طور نزدیک با نخبگان حاکم مرتبط بودند، شبکه‌ی قاچاق خود را توسعه دادند و به قاچاق کالاهایی با مشتریان مختلف، به خصوص کالاهایی که تعرفه و مالیات بالایی داشتند، پرداختند.

منطقه‌ی بالکان بعدها، مهم‌ترین مرکز مرور هزاران مهاجر غیر قانونی از خاورمیانه، آفریقا و آسیا تبدیل شد و بعدها به شکل تجارت و قاچاق دختران و زنان درآمد و این قاچاق بعدها به

سودآوری فزاینده‌ی قاچاق، انگیزه‌ی سرمایه‌گذاری‌های مولد را نیز کاهش می‌دهد و در سرمایه‌گذاری انحراف ایجاد می‌کند

عنوان یک مانع جدی در تغییر وضعیت و انتقال اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار و مردم‌سالاری تبدیل شد.

با پیامدهای جهانی‌شدن، فعالیت تبه‌کارانه‌ی بین‌المللی نیز به صورت کمی و کیفی افزایش یافته است و تبدیل به یک تهدید جهانی پیچیده‌ای شده است و فعالیت غیر قانونی آن به قاچاق محموله‌ها، کلاه‌برداری، پول‌شویی، رشوه، جاسوسی اقتصادی، سرقت مالکیت معنوی و جعل نیز رسیده است. در شرایط تحریم این نوع فعالیت‌های تبه‌کارانه‌ی بین‌المللی به منظور کسب سود، به کمک کشورهای تحت تحریم می‌آیند تا منافع طرفین حاصل شود.

سازمان‌های تبه‌کاران بین‌المللی با استفاده از شرکت‌های نمادین و دیگر سازمان‌های تجاری، تحریم‌های تجاری کشورهای مختلف را تضعیف نموده و آن را تحلیل می‌برند. در راهبرد کنترل تبه‌کاری بین‌المللی، دیدگاه‌های دولت‌ها مبتنی بر مقابله با قاچاق مواد خطرناک مانند اورانیوم، سلاح‌های کشتار جمعی و غیر متعارف نظامی است و این موضوع اولویت اصلی دولت‌هاست.

با این حال حتی با همکاری کشورهای همسایه (به عنوان یک عامل موفقیت تحریم) درجه‌ای از قاچاق محتمل است. گرچه تبعیت کامل، مورد نیاز موفقیت برخی تحریم‌ها نیست. مورد هائیتی و عراق نشان داده است که کمی گریز از تحریم منجر به این نمی‌شود که از ویرانی اقتصاد اجتناب شود. و به هر حال آثار کلی تحریم (به نسبت حجم تحریم) ساختار کلی اقتصاد کشور هدف را تضعیف می‌کند.

نزدیکی به منطقه‌ی جنگی و یا منطقه‌ای که قرار است تحریم شود، محل مناسبی برای افراد و گروه‌ها و

دولت‌های همسایه‌ی مایل به استفاده از فرصت درآمد ناشی از توسعه و تسریع قاچاق و دیگر فعالیت‌های غیر قانونی است.

در مورد جنگ در جمهوری یوگسلاوی، قاچاق و تجارت غیر قانونی بدون سایر حلقه‌های خارجی آن (دولت‌های همسایه یعنی آلبانی، مقدونیه، بلغارستان، رومانی و حتی مجارستان و اسلوانی) ممکن نبوده است.

این کشورها نقش واسطه‌ها در سیستم بین‌المللی قاچاق، هم‌چنین نقل و انتقال بر ضد تحریم را بر عهده داشته‌اند. در این شرایط قاچاق و تجارت غیر قانونی به طور وسیع به منظور دست‌یابی به نیاز اساسی و منافع ملی مورد توجه بوده است. در یوگسلاوی سابق، از دیدگاه دولت این کشور این اقدام، به عنوان اقدامات پنهان سازمان‌یافته مشروع دانسته می‌شد.

به همین دلیل فاصله‌ی بین «قهرمان ملی» و «تبه‌کاران» به قدری نامشخص بود که خیلی افراد نمی‌توانستند تفاوت بین آن‌ها را تشخیص دهند و این مسأله تا امروز نیز پابرجاست.

تحریم هدفمند به عنوان نوعی از تحریم، انگیزه‌ای جدی برای انحراف ایجاد می‌کند که آن را می‌توان اقتصاد سیاسی گریز از تحریم‌ها دانست (نقل و انتقال غیر قانونی مالی، قاچاق اسلحه و قاچاق کالا می‌تواند منجر به میراثی از فساد شود که ریشه‌کنی آن حتی بعد از برطرف شدن و لغو تحریم را بسیار سخت می‌کند). بر اساس تجربه‌ی به دست آمده و تجربیات دولت‌های مختلف، منافع ناشی از طفره و فرار از تحریم‌ها، منجر به شکل‌گیری قاچاق مداوم، فرار مالیاتی و فساد عمومی می‌شود.

برای نمونه قاچاق برای دولت عراق، در زمانی که مجوز تجارت از سوی سازمان ملل نداشت، مسأله‌ی جذابی شمرده می‌شد. در دهه‌ی ۱۹۹۰ قاچاق در مقابل تحریم به نوعی یک اقدام پیش‌دستانه بود و به مقابله با تحریم برخاست. به همین منظور آمریکا و انگلیس پیش‌نهادهایی برای برنامه‌های سخت‌تر کردن کنترل مرزها برای کاهش قاچاق ارائه دادند.

این اثرات در خصوص ایران نیز

۸- نقش کشورهای همسایه در قاچاق

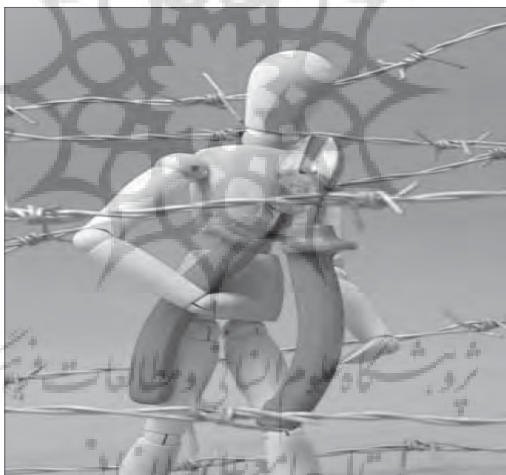
در زمان تحریم

از آن جا که در تحریم، دولت‌های عضو، مسئول اجرای تحریم هستند، احتمال دارد با مشکلات زیادی در فرآیند اجرای تحریم روبه‌رو شوند. بعضی از اعضا ناتوانایی‌شان به دلیل گستردگی مرزها و سختی کنترل مرزهای طولانی، فرصتی برای قاچاقچیان به منظور کمک به کشور مورد هدف فراهم می‌کنند. بعضی دیگر از دولت‌ها تحریم را بدان دلیل انجام می‌دهند که اعتقاد دارند تحریم تأثیر منطقه‌ای دارد و در محدوده‌ی کشور خاصی است، اما زمانی که مشخص شود کشورهای اجرا کننده‌ی تحریم توانایی اجرای تحریم را ندارند و کمک‌های مربوط به ایجاد ظرفیت‌های مناسب برای بهبود و تقویت این شرایط و موقعیت در دسترس نباشد، قاچاق زمینه‌ی فعالیت پیدا خواهد کرد. بنابراین کشورهای تحریم کننده به خصوص کشورهای همسایه به دلیل هزینه‌های جانبی مبارزه با قاچاق در بلندمدت، به موضوع مقابله با قاچاق، بی تفاوت شده و یا تمهیدات آن‌ها را تضعیف می‌نمایند، مگر آن‌که کشورهای تحریم کننده به شکل جدی هزینه‌های کشورهای همسایه را جبران نمایند یا تسلط جدی بر ساختار این کشورها داشته باشند. زمانی که قاچاقچیان به عنوان تسهیل کننده، گریز از تحریم با دولت‌های همسایه و یا سایر مقامات رسمی دولت تحت تحریم را بشناسند و با آن‌ها مراوده داشته باشند، این ارتباط قاچاقچیان به دلیل دارایی‌هایی که در خارج از کشور هدف دارند از سویی آن‌ها را قادر خواهد کرد بر تحریم اثر بگذارند و به تضعیف تحریم کمک کنند و از سویی دیگر نیز محملی برای فعالیت خلاف قانون آنان در این پوشش علیه کشور مورد هدف، فراهم می‌شود. تجربه‌ی کشورهای منطقه‌ی بالکان نشان داده است که بعد از فروپاشی دولت‌های کمونیستی در منطقه، مأموران امنیتی سابق به دلیل شناخت و ارتباط با سازمان‌های تبه‌کاری، خود دست به فعالیت‌های غیر قانونی از جمله قاچاق در زمان تحریم، زده‌اند.

خواهد داد.

در تحریم‌های مالی نیز با توجه به این موضوع که از متخصصین مالی و تخصیص منابع برای بهبود اطلاعات مربوط به تحریم‌های هدفمند از سوی دولت‌های تحریم کننده و سازمان ملل استفاده می‌شود، دولت هدف نیز تلاش خواهد کرد از مسیر قاچاق برای مبارزه با تحریم و انجام مبادلات مالی استفاده کند. تحریم کننده‌ی دولت هدف از فعالیت‌های بانک‌ها و موسسات مالی برای تشویق مقابله با تحریم مالی استفاده نموده و تمهیداتی فراهم می‌کند. با این حال در شرایط تحریم‌های مالی سخت، تجارت چمدانی رونق می‌گیرد که نیازمند پول نقد فراوان است و خود موجب تقویت اقتصاد زیرزمینی می‌شود.

با توجه به سطوح مختلف تحریم اعمالی، میزان و نوع قاچاق نیز می‌تواند به طور متفاوت ارتباط مستقیمی با سطوح تحریم داشته باشد، بنابراین



تحریم‌های مالی، تسلیحاتی، مسافرتی، پروازی و تجارت هدفمند دارای شرایط خاص خود است و نوع قاچاق نیز تغییر شکل می‌دهد.

دولت تحت تحریم بر اساس نیاز خود از طریق برنامه‌ریزی پشتیبانی و اقدامات مختلف می‌تواند متناسب با شرایط و نوع تحریم از قاچاق به عنوان رویه‌ای برای مقابله با اهداف تحریم کنندگان استفاده کند. دولت‌های هدف، قاچاق را به عنوان «پاشنه‌ی آشیل» تحریم می‌دانند؛ چرا که ابزاری برای ناکارآمد کردن انواع مختلف تحریم است.

تا حدودی نمایان است. حتی در فروشگاه‌های ایرانی کالاهای آمریکایی که قاچاق شده‌اند، وجود دارد که برخی نیز به صورت قانونی از طریق کشورهای همسایه وارد می‌شوند و در مورد برخی کالاهای دیگر نیز برخی صادرکنندگان ایران از طریق طرف سوم و سفرهای قانونی به بازار آمریکا این کالا را وارد کشور کرده‌اند. (amuzegar, 1997, b32).

تحریم قطعات هواپیماهای مسافربری و یا فروش دارو به ایران از سوی آمریکا برای دولت ایران به عنوان یک اقدام ضد انسانی قابل تقبیح شناخته می‌شود و از نقض این گونه تحریم‌ها حمایت می‌کند.

به همین دلیل قاچاق از دیدگاه دولت‌های تحت تحریم فرصتی برای کشور تحت تحریم است تا به دلیل غیر قانونی دانستن تحریم، محدودیت‌های واردات و صادرات؛ و ردیابی صادرات مجدد؛ محدودیت مجوزها؛ و حمل و نقل که توسط قطع‌نامه‌های سازمان ملل و یا کشورهای تحریم کننده اعمال می‌شود را کاهش دهد.

مقابله با بهبود اقدامات اجرایی برای ثبت سفارش؛ صدور مجوزها؛ مراقبت از دلالتان؛ و مقابله با فهرستی از کالاهای تحت کنترل تحریم یا ممنوع شده، از ساز و کارهای قابل توجه توسط قاچاق در زمان تحریم است.

دولت‌های تحت تحریم می‌توانند از تجربیات و منابع تخصیصی موجود نقض تحریم از سوی ناقضان تحریم (قاچاقچیان) برای توسعه و حفظ روش‌های مقابله با تحریم استفاده کنند.

در زمان تحریم به دلیل توزیع اطلاعات عمومی بین قاچاقچیان (چه واردکنندگان کالای قاچاق و چه صادرکنندگان کالای قاچاق) ارتباط منسجم‌تری بین آن‌ها برقرار می‌شود.

در برخی مواقع به دلیل درگیر شدن قاچاقچیان در راستای اهداف دولت‌های تحت تحریم، احتمال مجازات، برای تخلفات دیگر آن‌ها تضعیف می‌شود و برای مثال دولت هدف برای تأمین سلاح مورد نیاز خود توسط قاچاقچیان به برخی فعالیت‌های آنان از جمله کالاهای قاچاق مانند سیگار بی توجهی نشان

فاینشنال تایمز در آگوست ۲۰۰۱ گزارش داد، تلاش‌هایی که برای مقابله با تحریم تجاری سازمان ملل در یوگسلاوی انجام شد، منجر به رشد قارچ‌گونه‌ی قاچاق به عنوان تجارت بین‌الملل از بالکان تا ایتالیا و سایر کشورهای اروپایی شد. در واقع درگیر شدن کشورهای همسایه‌ی یوگسلاوی، در موضوع تحریم یوگسلاوی، منطقه‌ی بالکان و حتی اروپای غربی را تحت تأثیر قرار داد. بنابر تحقیقات گمرک آلمان، از سال ۱۹۹۲ مونته‌نگرو به عنوان همسایه‌ی صربستان به یکی از بزرگ‌ترین مراکز قاچاق سیگار تبدیل شد و محققان ایتالیایی عنوان کردند که ۵۰ درصد از GDP مونته‌نگرو از قاچاق سیگار ناشی می‌شود و این کشور کوچک به یک مرکز فعالیت‌های اقتصادی مزبور تبدیل شد.



برخی برآوردها حاکی است که دولت مونته‌نگرو سالانه ۷۰۰ میلیون دلار از تجارت مخفی سیگار و دیگر کالاها درآمد داشته است. همانند تجربه‌ی یوگسلاوی سابق، نقض پویای تحریم توسط عراق نیز انعکاس منطقه‌ای قدرتمندی داشته و در زمان تحریم، رابطه‌ی بین کردها و بغداد، و گروه‌های منطقه‌ای و ترک‌ها اساساً به دلیل منافع قاچاق ایجاد شد (نایلو، ۱۹۹۹، ص ۳۲۷). این روابط بر اساس روابط سه جانبه‌ی غیر رسمی بین مقامات بغداد، نظامیان ترکیه و حزب دمکرات کردستان (که تجارت منطقه‌ای را بر عهده داشت) برای قاچاق نفت ایجاد شد. پیوند تجارت زیرزمینی به طور وسیعی در زمان تحریم گسترش یافت. معاون وزیر خارجه‌ی عراق نزار حمدان در سال ۲۰۰۱ اذعان کرد: «تجارت با کشورهای همسایه‌ی عراق تنها راهی بود که می‌توانست تحریم‌ها را بشکند». هم‌چنین ادعا شده است که در قبال هر کامیونی که از مرز عراق - ترکیه بازرسی می‌شد ۲۰۰ کامیون دیگر بازرسی نمی‌شد. این مسأله در مورد سایر مرزهای عراق در سوریه، اردن و ایران نیز وجود داشت. در تحریم‌های اعمال شده‌ی جمهوری دمکراتیک کنگو نیز، اقتصاد

خصوص در نیویورک تایمز منتشر شد و در آن صدمات اقتصادی واردشده به مردم عراق در اثر تحریم با هدف پیشبرد اهداف سیاسی شرح داده شده است اشاره شده است که: «در شرایط کنونی، تحریم، موقعیتی در بازار عراق ایجاد کرد که فرصت مناسبی برای تجار است تا از طریق تجارت با دولت در بازار سیاه، روز به روز مرفه‌تر شوند.

مایک و کان (۲۰۰۴) نیز در مورد تحریم عراق به چنین نتایج مشابهی رسیدند. اعضای رژیم و وابستگانشان که کنترل بازار سیاه را در دست داشتند، از این طریق سود زیادی به جیب زدند.

این پدیده منجر به افزایش پدیده‌ی قاچاق در کشورهای همسایه از جمله ترکیه، سوریه و ایران نیز شد و قاچاقچیان با این درآمدها توانایی فزون‌تری برای اعمال قاچاق یافتند و علاوه بر افزایش قاچاق در عراق، پدیده‌ی بازار سیاه و قاچاق در کشورهای همسایه‌ی عراق نیز تقویت شد.

در سطح کلان نیز برای نمونه رژیم صدام حسین برنامه‌ی نفت در مقابل غذا را طوری دستکاری کرد که توانست از این طریق از راه اقتصاد پنهان، منافع زیادی را عاید خود کند. دولت عراق با اجرای این برنامه قراردادهای خود را با رقم‌هایی بیش‌تر از رقم واقعی با بعضی شرکت‌های خاص تنظیم کرد و پورسانت بالایی دریافت می‌کرد که به صورت حساب‌های محرمانه موجب تقویت تجارت مخفیانه‌ی رژیم در سطح بین‌المللی با روسیه، فرانسه، و جهان عرب شد.

در تحریم‌های جامع که در مورد هائیتی و عراق انجام گرفت، به دلیل پیامدهای انسانی شدیدی که به دنبال داشت، تأثیر جدی‌تری بر افزایش فقر و قدرت گرفتن بازار سیاه از جمله قاچاق داشت اما در تحریم‌های هدفمند، تأثیر عمده‌ای بر قاچاق در کشور هدف ندارد و تنها اثر آن مربوط به حوزه‌ی مورد هدف تحریم‌های هدفمند یا کالای تحریم‌شده می‌باشد.

در تحریم‌های سازمان ملل، به طور کلی مجمع عمومی سازمان ملل

در زمان تحریم در یوگسلاوی بیش‌تر طبقه‌ی متوسط، مهندسان، معلمان و کارمندان دولت درآمدهای خود را از دست دادند و طبقه‌ای از افراد جدید و پایین که در کار قاچاق و بازار سیاه دست داشتند، جایگاه یافتند

متکی به قاچاق طلا و الماس در شرق این کشور حاکم بود و کشورهای همسایه‌ی این کشور از جمله اوگاندا درگیر آن بودند.

۹- تحریم‌ها و شکل‌گیری بازار سیاه

تئوری جامع اقتصادی مبین این موضوع است که با تحمیل تحریم، کمبود کالا پیش آمده و قیمت‌ها افزایش می‌یابند و همراه با افزایش قیمت کالاهای تحریم شده، انگیزه برای تهیه‌ی مایحتاج عمدتاً از بازار سیاه بیش‌تر می‌شود. برای نمونه طی مقاله‌ای که در این

فساد و جنایت می‌شود.

در شرایط تحریم به دلیل محدودیت مالی بر مؤسسات مالی و اعتباری که تولیدات داخلی را حمایت می‌کنند و همچنین به دلیل کاهش اعتبارات و مواد اولیه، کم‌پایی‌ها تشدید می‌شود و همچنین جای‌گزین شدن تولیدات خارجی و کم کیفیت (که بدون مجوز و تأیید استاندارد آن‌ها وارد کشور هدف می‌شود) با تولیدات با کیفیت به دلیل محدودیت منابع مالی، علاوه بر این که به مشکل تکنولوژی و نارضایتی داخلی دامن می‌زند، بی‌کاری و تعطیلی مراکز تولیدی کوچک، و بزرگ کاهش اشتغال را به همراه می‌آورد. این روند در کشوری که مشکلات و مسائلی مانند بی‌کاری و ... دارند در شرایط تحریم تشدید می‌شود و به دلیل وجود تقاضا در بازار و هزینه‌های پایین‌تر قاچاق برای تأمین این تقاضا، موجب رونق گرفتن بیش‌تر قاچاق و نهادینه شدن آن خواهد شد. این رویه معمولاً توسط کشورهای متخاصم کشور هدف تحریم نیز، تقویت می‌شود.

تحریم به دلیل این که موانعی در مسیر مبادلات و بازاریابی رسمی برای توسعه صادرات، هم از طریق تأخیر در تأمین مواد اولیه قطعات و اعتبارات، و هم از طریق تعامل با اقتصاد جهانی ایجاد می‌کند، با افزایش آسیب‌پذیری بخش خصوصی و تضعیف آن، ناامنی اقتصادی را در حوزه تولید باعث می‌شود و نتیجه‌ی آن تقویت فرایند ورود کالاهای خارجی و تشدید پدیده‌ی قاچاق خواهد بود، در نتیجه با تشدید ناامنی اقتصادی، سرمایه‌گذاری بلندمدت را غیر ممکن می‌سازد که در نهایت تولید کشور هدف، تضعیف می‌شود. باید گفت معمولاً هدف اصلی کشورها و دولت‌های تحریم‌کننده نیز تحت فشار قرار دادن و مجبور کردن دولت هدف برای اجابت درخواست کشورهای تحریم‌کننده از طریق چنین هزینه‌هایی است. ■

منابع:

- داکس، ۱۹۹۶، ۵۴-۵۷
- بگوویچ و دیگران؛ ۲۰۰۱، ص ۹۹
- گارلفید، ۲۰۰۱، ص ۶۶
- همان، ص ۶۶
- کرافورد، کلاتر، ۱۹۹۹، ص ۳۰
- مایک و کان، ۲۰۰۴

باعث مستحکم شدن جایگاه میلوشوویچ شد و افرادی که از این طریق صاحب ثروت شدند، بعدها با استفاده از قدرت اقتصادی خود، وارد ساختار قدرت شدند. یکی از فعالان بازار سیاه در یوگسلاوی سابق می‌گوید: در حالت عادی شما وقتی می‌خواهید واردات انجام دهید، باید حقوق و مالیات را بپردازید؛ اما در شرایط تحریم اگر شما افراد را خوب بشناسید هیچ حق و مالیاتی لازم نیست که پرداخت کنید. یکی از حامیان نقض تحریم نیز می‌گوید: «تحریم‌ها، بهشت هستند». نقض موفقیت‌آمیز تحریم‌ها از طریق واردات پنهان نه تنها نیازمند مرزهای پر منفذ است بلکه دسترسی به بازارهای خارجی (برای انتقال کالای قاچاق) نیز لازم است.

برای مثال میلوشوویچ به روش‌های مختلف مالی روی آورد و بازار سیاه را تقویت کرد. یکی از روش‌های مورد نظر این دولت چاپ حجم عظیمی از اسکناس‌های یوگسلاوی بود تا بتواند در بازار سیاه، مبادلات را به صورت نقد انجام دهد که این عمل ناشی از انزوای بین‌المللی این کشور بود. در سال ۱۹۹۴، در صربستان ۴۰ درصد از نقدینگی در بازار سیاه در جریان بود. حجم عظیم چاپ اسکناس منجر به دوران ابر تورم در تاریخ این کشور شد. در بی سال‌ها تحریم اقتصادی در یوگسلاوی دولت برآورد کرد که ۲۰ درصد از درآمدهای بالقوه‌ی خود را از طریق مالیات تجارت سیگار از دست دهد. مقامات مالیاتی صرب برآورد کردند که نیمی از نقل و انتقال مالی از طریق کانال‌های غیر قانونی انجام می‌شود. در سال ۲۰۰۳ برآورد شد که تنها ۳۰ تا ۴۰ درصد تجارت کشور، قانونی است.

در یوگسلاوی سابق قاچاق ابتدا به عنوان یک منبع اضافی درآمد در نظر گرفته می‌شد اما بعدها به شغل تمام وقت افراد تبدیل شد. این عمل اثرات انحراف‌های اجتماعی را در پی داشت.

۱۰- افزایش قاچاق در زمان تحریم و تضعیف اقتصاد تولید

بازار سیاه مشوقی برای سقوط کامل استانداردهای اخلاقی است. درست‌کاری دارای هزینه می‌شود و بی‌صدقتی در فضیلت‌ها، شرط اساسی بقا می‌شود و به طور گریزناپذیری منجر به افزایش

از شورای امنیت می‌خواهد تا از دقیق و شفاف بودن روند جاری اعمال تحریم علیه افراد و مؤسسات یا حذف آن‌ها از فهرست تحریم و همچنین در نظر گرفتن موارد معافیت اطمینان حاصل شود. به دلیل این که در خصوص دقیق و شفاف بودن روند، اتفاق نظر وجود ندارد، این موضوع باعث توجه بیش‌تر به مقوله‌ی ناعادلانه بودن و عدم شفافیت در تحریم‌ها و غیرانسانی دانستن این روش شده است. در نتیجه، موارد نقض تحریم و طفره‌روی از آن از راه‌های مختلف از جمله قاچاق به علت عدم اعتقاد به آن از سوی گروه‌ها و کشورهای مختلف فزونی یافته است؛ به خصوص آن که چالش‌های قانونی در بعضی از کشورها در خصوص تحریم وجود دارد که تهدیدی برای کارایی تحریم‌های هدفمند شمرده می‌شود.

تفاوت شکل‌گیری بازار سیاه و قاچاق در زمان تحریم در یوگسلاوی و عراق این بود که در عراق به دلیل وجود قدرت قهری وحشیانه، بازار سیاه مستقیماً زیر نظر صدام اداره می‌شد که توسط دو پسر صدام به نام‌های عدی و قسی (رئیس سرویس اطلاعات رژیم صدام) انجام می‌گرفت. فعالیت‌های قاچاق در انحصار دولت عراق بود و اجازه‌ی فعالیت به گروه‌های مستقل داده نمی‌شد. افراد اندکی که در این فضا رشد کردند نیز، در خطر بزرگی بودند. در سال ۱۹۹۲ برای مثال صدام دستور اعدام ۴۲ تاجر را به دلیل سودجویی صادر کرد. به همین دلیل بعد از سقوط صدام، گروه‌های طبقه‌ی ممتاز ناشی از قاچاق نتوانستند خود را به قدرت سیاسی بعد از صدام نزدیک کنند.

با این حال نشانه‌هایی از نفوذ قاچاقچیان سازمان‌یافته برای نفوذ بالقوه در مراکز قدرت وجود دارد که در غارت موزه‌ی ملی عراق در زمان سقوط بغداد نمایان شد.

به همین دلیل بعد از لغو تحریم، قاچاق نفت عراق از طریق سیستم سازمان‌یافته‌ی قاچاق از بین رفت، اما در برخی مواقع قاچاق نفت در مقیاس کوچک در بندر ابوفلوس که محل مناسب برای نقض تحریم در زمان صدام حسین بود، ادامه یافت. اما در یوگسلاوی سابق، تحریم‌ها